

تعریف منافع کشورهای مسلمان در بلوک ها و شبکه های غیر خودی

تعریف منافع کشورهای مسلمان در بلوک ها و شبکه های غیر خودی

محمد حسن مظفری

مقدمه :

با اندک تأمل و مروری در تاریخ ملل، میتوان ملتهایی را مشاهده کرد که ناآرام و توفنده از دل تاریکترین روزگاران ستم، چپاول و نابرابری، ناگهان سر برآورده اند و به رغم داشتن نشانه های شلایه های استبداد و استعمار بر شانیه های شان، توانسته اند، بساط سنگین سلطه ظالمین را در میان امواجشان در هم شکسته، وضع موجود را تغییر داده و انبوهی از دگرگونی و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را با خود به ارمغان بیاورده اند.

اما این توفانها، سیلابهای خروشان و امواج دریایی چگونه شکل گرفته اند؟ چه عوامل و نیروهای توان پیوند زدن دلها و اندیشه های متفرق و پراکنده به همدیگر را دارند؟ اقیانوسهای آرام و بی تحرک چرا به خروش در می آیند؟ آیا سیلابها و امواج خروشان ملتها همیشه امید بخش بوده و با خود گلستان و گلشن آورده اند؟

در مقاطعی از تاریخ رهبرانی ظهور کرده و با عواملی چون نژاد، خون، رنگ، قومیت، منافع و گاه با اندیشه های نژاد پرستانه، ملی گرایانه، مکاتب، ادیان و مذاهب، تعریفی از "خودی" و "دیگری" ارائه داده اند. آنها با این ابزار موفق شده اند تا خواسته ها، اندیشه ها، توده های مردم، ملتها منطقه و حتی

مناطق از جهان را سامانده و بسیج کنند. دلهای آنان را به همدیگر پیوند داده و همه نیروها را تمام قد در برابر نظام موجود به ایستادگی فرا بخوانند. قیام مردم و ملتها به رهبری انبیاء، مصلحان اجتماعی، رهبران قومی و ملی در طول تاریخ نمونههایی از این توفانها هستند. در دو قرن نوزدهم و بیستم قیام ملتهای افریقایی و آسیایی با نام ملیگرایی و ناسیونالیزم علیه استعمارگران غربی و امروز بیداری اسلامی و قیام ملتهای مسلمان تحولات بزرگی را به وجود آوردهاند..

جنبشهایی که بینش مادی دارند، ممکن است در یک مقطع موفقیتهایی کسب کنند و نجات بخش باشند؛ اما به دلیل این که ریشه در ناپاکی دارند، به زودی خودشان معضلی شده، مردم را از چاله در آورده و به چاه انداخته و موجب سرخوردگی آنان شدهاند. در دهههای اخیر، سوسیالیزم و ملیگرایی به صورت مکتبهای انقلابی ظهور کرده، سالهای طولانی در میان ملل مسلمان و نامسلمان امیدهای کاذبی را ایجاد کردند و تحولات بزرگی را نیز شکل دادند، اما این توفانها و تحولات با همه گستردگیهایشان، سرایی بیش نبودند. رهبران فریب خورده این جنبشها در سرزمینهای اسلامی برای چندین دهه صدای رهبران، بیدارگران و هزاران مسلمان را خفه کردند. آنها منافع سیاسی، امنیتی، دفاعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مسلمین را در یکی از دو شبکه شرق سوسیالیست و یا غرب سرماییداری تعریف کرده و همه منابع، توان و امکانات کشورها و ملتهای مسلمان را در اختیار این دو بلوک جهانخوار قرار دادند.

در زمستان سرد و تاریک نومیدي، اندیشه و فریادهای رسای امام خمینی(رحمه الله علیه) که ریشه در تاریخ و منابع مقدس اسلام داشتند، خفتگان را بیدار کرد. امواج خروشان اقیانوس انقلاب اسلامی ایران کشتی نظام شاهنشاهی و ایادی استکبار جهانی را در این کشور درهم شکست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تاسیس نظام اسلامی، منافع مردم مسلمان را مستقل از شبکهها و بلوکهای شرق و غرب تعریف کرد و اکنون بیش از سه دهه مقاومت، ملتهای مسلمان را به وحدت و همدلی فرا میخواند. این نظام امروز به صورت الگویی عملی و موفق پرچمدار بیداری اسلامی در جهان شده است.

در دنیای امروز، موج بیداری اسلامی فراگیر شده است. مسلمانان سرخورده از نظامهای وابسته و به دروغ ملی، در کشورهای مختلف به پا خاستهاند و اکثراً آنان "خودی" و "دیگری" را در پرتو تعلیمات اسلامی و شبکه نوین منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مسلمین تعریف میکنند؛ اما در این میان استکبار جهانی و دست نشاندهانشان در کشورهای مسلمان زیرکانه و به شدت در تلاش هستند، تا اجازه ندهند چنین تعریفی از خودی در برابر بلوک سرماییداری امریکایی و اتحادیه اروپا شکل بگیرد.

شکی نیست، مسلمانان در این مقطع حساس از تاریخ، بیش از هر زمان دیگر نیازمند مراجعه به منابع ناب یعنی قرآن، حدیث و تجارب تاریخی اسلام هستند. آموزههای اسلامی همچون مشعلی فروزان روشنگر راه مسلمین برای عبور از گردنههای تاریک و سخت هستند. با توجه به مطالب، مقاله حاضر با مراجعه به قرآن و سنت تلاش خواهد کرد، موضوع پر اهمیت تعریف "خودی" و "دیگری" و لزوم طراحی شبکه نوین و مستقل منافع برای ملل اسلامی را بررسی کند.

واژگان کلیدی: خودی، غیر خودی، ما، دیگران، منافع سیاسی، اقتصادی، امنیتی، دفاعی، منافع مشترک، ناسیونالیزم

فصل اول. کلیات

گفتار اول. مفاهیم:

أ. "ما" : ما جمع "من" است. "من" بر هویت فردی و "ما" بر هویت جمعی دلالت دارند. هویت شکل دهنده من و ما است. تعاریف مختلفی میتوان برای هویت ارائه کرد، اما برای روشن شدن بحث به چند نوع از هویت اشاره میشود:

- هویت طبیعی: هویت طبیعی در برابر اکتسابی قرار دارد. هویت طبیعی، هویتی منحصر به فرد است که خداوند آن را به هر شخص ارزانی داشته است. چهره ظاهری، ژنها و "دی ان ا" [\[11\]](#) ها ویژگیهای طبیعی اشخاص هستند. هویت طبیعی منحصر به عالم انسانی نیست، حتی جانوران، گیاهان و همه موجودات نیز هر یک ویژگیهای خاص خودشان را دارند.

- هویت اکتسابی: در سطح فردی باورها، ارزشها، دانش و بینش هر شخص، هویت اکتسابی او را شکل میدهند. باورها و ارزشها مانند نرمافزارهای اجرایی رایانهای که تمامی دستگاهها و وسایل را در اختیار خودشان میگیرند؛ هستی و همه امکانات مادی و معنوی شخص را به کنترل در آورده و حاکم بر او میشوند. در سطحی کلانتر باورها و ارزشهای قومی، ملی و جهانی (انسانی یا فطری) هویتهای کلانتری را برای جامعه بشری شکل میدهند. نقش مهم و برجسته باورها و ارزشها در شکل دادن هویت فردی و جمعی "من" و "ما" از نظر فرهنگی و سیاسی از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است.

- هویت شخصیتهای حقیقی و حقوقی: این هویتها برای اشخاص همان هویت قراردادی، شناسنامههای و گذرنامههای است و برای موسسات و شخصیتهای حقوقی، هویت اساسنامههای، ثبتی و قانونی است. این نوع از هویت نیز در جای خودش دارای اهمیت است، اما جای بحث آن در این مقاله نیست.

در طول تاریخ بشری در سطح فردی و جمعی، اشخاص و ملتها برای خودشان هویت گلشني و یا هویت جهنمی ساختهاند، به قول مولانا:

ما بقی، تو استخوان و ریشهای

ای برادر تو همین اندیشههای

هویت‌های طبیعی همانند قلعه‌هایی هستند که هویت‌های گلشنی، گلستانی و یا هویت‌های جهنمی و شیطانی را در خود جا داده‌اند.

ب. دیگر و دیگران؛ هر هویت ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر هویت‌ها متفاوت ساخته است. بنا بر این دیگران یعنی آنان که هویت من و یا ما را ندارند.

گفتار دوم. اهمیت و ضرورت موضوع

متأسفانه بیشتر دولتهای کشورهای اسلامی به جای این که منافع ملتشان را مبتنی بر کتاب و سنت و ضرورت‌های شرایط حاکم بر جهان امروز، در چارچوب شبکه‌های از دولتهای اسلامی و یک بلوک مستقل "خودی"، دنبال کنند؛ منافع امنیتی، سیاسی، اقتصادی و حتی دفاعی خودشان را به نحو ذلت‌باری در شبکه و بلوک‌های غیر خودی (کفار) پیگیری میکنند. این کشورها با پیوستن به قراردادهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی در واقع هویت‌ها و "ما" بودنشان را به گونه‌های وارونه تعریف کرده‌اند. در چنین وضعیتی جای "ما" و "دیگران" عملاً تغییر کرده و این شرایط اسفبار باعث شده که خواست یا ناخواسته علیه منافع مسلمانان دست به اقدامات خائنانه‌ای بزنند. آنها با وارد شدن به کلوپ‌ها و سازمان‌های اقتصادی، شبکه‌های امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی، اتحادیه‌ها و پیمان‌های نظامی بخش‌هایی از سرزمین و قلمرو اسلامی را به عنوان پایگاه‌ها نظامی، موشکی و جاسوسی به دیگران داده‌اند. گاهی در قالب همکاری‌ها و تبادل اطلاعات، تجربیات و هیئت‌ها اسرار کشورها، ملت‌ها و حتی اشخاص مسلمان را در اختیار دیگران قرار داده و آنها را بر سرنوشت مسلمانان مسلط میکنند.

علاوه بر اینها، پیوستن کشورهای اسلامی به سازمان‌ها و اتحادیه‌های غیر خودی باعث شده، سازمان‌ها و تشکیلات مشابه در میان کشورهای اسلامی اساساً شکل نگیرند و یا اگر تشکیلاتی مانند کنفرانس اسلامی و بسیاری از سازمان‌ها و اتحادیه‌های دیگر تاسیس شده، آن طور که باید و شاید، قوی، فعال و معنادار نباشند. بنا بر این ضروری است این بحث بر اهمیت مبتنی بر قرآن و سنت بیشتر مورد توجه مسلمین قرار بگیرد.

فصل دوم. تعریف قرآن از "ما" و "دیگران"

آیات فراوانی در قرآن به طور جدی مستقیم و غیر مستقیم به موضوع ما و دیگران (خودی و دیگری) پرداخته‌اند؛ ولی در چند آیه به صورت روشنی با واژه "ما و دیگران" سخن به میان آورده است.

گفتار اول. "ما" یعنی همراهان و پیروان رسول الله(ص)

تقریباً تمامی آیات قرآن، آموزه‌ها و تلاش‌های پیامبر اکرم(ص) برای این بوده تا شخصیت افراد و جامعه بر مدار و محور "توحید" شکل بگیرد[2]. قرآن جامعه متشکل از محمد رسول الله(ص) و مومنان همگام و هماهنگ با ایشان را "جامعه خودی" و "ما" خوانده است. در این جمله از آیه آمده است: "محمد رسول الله(ص) و آنها که با او هستند[3]". منظور قرآن از همراهی با پیامبر، همگامی و معیت فیزیکی با ایشان نیست، مقصود از این جمله، همراهی و "معیت" فکری، عقیدتی، اخلاقی و عملی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. قرآن در آیهای دیگر با عبارتی روشنتر این "معیت و همراهی" را بیان کرده است: "آنان که از ایشان به خوبی پیروی میکنند[4]". به درستی و خوبی پیروی کردن از رسول، مایه سربلندی است و گرنه، همراهی فیزیکی با پیامبر(ص) به تنهایی برای کسی افتخار به شمار نمی‌آید (مکارم، تفسیر نمونه). منافقان زمان پیامبر(ص) با ایشان و مومنان زندگی کرده‌اند؛ اما به دلیل این که همفکر، همدل و پیرو آن حضرت نبودند، از منفورترین گروه‌ها به شمار آمده‌اند و قرآن در سوره منافقین شدیدترین حملات را متوجه آنها کرده است.

بنا بر این جوامع و اشخاصی که به راستی همراه فکری، عقیدتی و پیروان اخلاقی و عملی رسول الله(ص) باشند، "خودی" و "ما" هستند، هر چند، از نظر زمانی قرن‌ها پس از رسول الله(ص) متولد شده باشند. در حدیثی از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نقل شده که ایشان فرمودند[5]: دوست داشتم برادرانمان را مدیدیم!، همراهانش به ایشان گفتند: ای رسول خدا! آیا ما برادران تو نیستیم؟! حضرت فرمود: شما اصحاب من هستید، اما برادران ما هنوز به دنیا نیامده‌اند (النیسابوری، 218 صحیح مسلم)!

گفتار دوم. "دیگران" یعنی دشمنان خدا و مومنان

قرآن کریم در آیات مختلف به صورت ضمیر مانند "دو نکم"، "لهم[6]" و به صورت اسم ظاهر مثل کلمات "کفار، مشرکین و منافقین" موضوع پر اهمیت "ما" و "دیگران" را به روشنی برای مسلمانان مطرح کرده

است. قرآن مومنین را "ما" و سه گروه "کفار"، "مشرکین" و "منافقین" یعنی دشمنانی (عَدُوٌّ لِلَّهِ وَ عَدُوٌّ لِّكُمُ) که در برابر خدا و مومنان صفیندی کرده‌اند، را "دیگران" خوانده است. البته باید توجه داشت که نگاه "خودی" و "دیگری" که قرآن مطرح میکند، با نگاه منفور خودی و دیگران در نزد نژادپرستانه، ملیگرایانه و منفعت‌محورانه مکاتب مادی که بر اساس چنین اندیشه‌هایی جنگ افروزیها کرده‌اند، متفاوت است (در بخش پایانی مقاله به این تفاوتها اشاره شده است).

فصل سوم. دستورات قرآن در باره خودیها و دیگران

قرآن در باره چگونگی رفتار با "خودیها" و "دیگران" به مسلمانان دستوراتی داده است. مومنان و جامعه خودی باید این احکام و دستورات را رعایت کنند. این دستورات فهرست طولانی دارد. اما در این مقاله به اختصار به چند مورد از آنها به این شرح بسنده شده است:

گفتار اول. محبت متقابل نسبت به همدیگر از ویژگیهای جامعه اسلامی

"رحماء" و مهربان بودن مومنان نسبت به هم [7]، صرفاً به معنای حرمت داشتن جان، مال و آبروی برادران ایمانی و آسیب نرساندن به همدیگر نیست (الزمخشری، الکشاف) مفاهیمی چون داشتن تعاون [8]، محبت، رسیدگی به مشکلات، ایثارگری در شرایط فوق‌العاده سخت [9] و تواضع نسبت به همدیگر [10] (ابن کثیر القرشی الدمشقی، تفسیر القرآن العظیم) که در آیات دیگر قرآن ذکر شده در عبارت "رحماء بینهم" نهفته است. این امور همان توجهاتی است که انصار و مهاجرین در عصر رسول الله (ص) نسبت به هم داشتند [11]. ویژگی "رحماء بینهم" از مهمترین شاخصهای جامعه اسلامی است. این خصوصیت از افراد و گروههای متفرق و دشمنانی که دلهایشان مملو از کینه و نفرت نسبت به یکدیگر بوده [12]، "ما" و جامعههای برادر ساخته است.

گفتار دوم. تسلیم محض بودن جامعه اسلامی در برابر خداوند

- احساسات و عواطف فرد و جامعه مسلمان یله و رها نیست و آنها بر اساس خواسته‌هایشان اقدام نمی‌کنند. جامعه اسلامی در چارچوب دستورات خداوند و جلب رضایت الهی کنش و واکنش‌هایش را ساماندهی می‌کند. قهر و خشم مسلمین در برابر دشمنان و مهرشان نسبت به همدیگر سبب نمیشود که از جاده حق و عدالت خارج شود. جامعه مسلمان اجتماعی است که رکوع و سجودش همواره به چشم می‌آید. منظور از رکوع و سجود در این آیه قرآن، فقط دو حرکت شکلی و مراسمی نیست، این دو واژه [13] به علت این که نشان دهنده نهایت تسلیم بودن جامعه در برابر خداوند است، به طور سمبلیک در این جمله مقدس انتخاب شده‌اند (مکارم، تفسیر نمونه) و اگر نه، از سر تظاهر به آسانی میتوان رکوع و سجود انجام داد و به راحتی میشود اثر سجود را در پیشانی ایجاد کرد (الزمخشری، الکشاف). جوامع اسلامی در واقع اجتماعاتی هستند که خودخواهی و غرور، تظاهر و ریاکاری در آنها راه ندارد و همواره با نیتی پاک در جستجوی فضل و رضای الهی هستند [14].

گفتار سوم. استقلال جامعه اسلامی و مومنان

قرآن در ترسیم ویژگی‌های جامعه مومنان از زبان انجیل مقدس آن را همچون مزرعه‌های شکوفا، مملو از جوانه‌های در حال رشد، مقاوم، محکم و مستقل از دیگران که روی پای خود ایستاده است، توصیف کرده است. بعضی از مفسرین "زرع" را به وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) تشبیه کرده‌اند که گسترش و رویش مومنان از شعاع آن وجود مقدس آغاز شده است (المحاربی، المحرر الوجیز). رشد مادی و معنوی چنین جامعه‌ای به اندازه‌ای است که همگان را به شگفتی وادارد و باعث خشم کفار میگردد [15]. يك جامعه پیشرو، پیشتاز و سربلند و قوی جامعه‌ای است که روی ساق و پای خود بایستد (الطبری، جامع البیان فی تأویل القرآن) و برای بقای خودش وابسته به دیگری نباشد [16].

آیه "وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا" [17] نیز بر لزوم حفظ حاکمیت و استقلال مومنان و حرمت سلطه و حاکمیت کفار بر مسلمین تاکید کرده است (الشنقيطي، أضواء البیان). بر اساس قواعد زبان و ادبیات عرب، "سبیل" در آیه اخیر، "کلمه نکره‌ای است که در سیاق نفی قرار گرفته و معنای عموم میدهد (طنطاوي، التفسير الوسيط)". یعنی مطابق این آیه کافران در هیچ حوزه‌های نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حق برتری و مسلط شدن بر مسلمین را ندارند (الطباطبائي، تفسير الميزان).

در همین راستا، آیات دیگری پذیرفتن ولایت کفار [18] و وابستگی به ستمگران را ممنوع [19] کرده است. مخاطب این آیات عموم جامعه است (الطباطبائي، تفسير الميزان). جامعه مستقل و آزاد، جامعه‌ای است که پیوند و ارتباطش با دیگران، پیوندی بر پایه برابری و بر اساس مصالح و منافع متقابل باشد.

ارتباط و پیوندی که یک طرفه و اساسش وابستگی فکری، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و سیاسی طرف ضعیف بر قوی باشد، روابطش با دیگران جز اسارت، استثمار و خشم خداوند دستاوردی دیگری نخواهد داشت. بنا بر این، داشتن روابط تجاری و علمی بر اساس حفظ منافع مسلمین و استقلال و ثبات جوامع اسلامی مانعی ندارد و چنین ارتباطات سازنده‌ای در زمان پیامبر(صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) و اعصار بعد از ایشان نیز وجود داشته و دارد. آنچه ممنوع و ناپسند است، وابستگی و "رکون" به طالمین است.

گفتار چهارم. اتحاد مومنان و جوامع خودی

یکی از دستورات قرآن به خودیها وحدت با برادران مومن و پرهیز از تفرقه و پراکنده شدن است. مخاطب این فرمان نیز عموم مردم هستند. قرآن فرموده است: "و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام) جنگ بزنید و پراکنده نشوید". در همین رابطه "جان دیون پورت" دانشمند معروف انگلیسی می نویسد: "محمد یک نفر عرب ساده، قبائل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه کشور خودش را مبدل به یک جامعه فشرده و با انضباط نمود و در میان ملل روی زمین آنها را با صفات و اخلاق تازه ای معرفی کرد و در کمتر از سی سال، این طرز و روش امپراطور قسطنطنیه را مغلوب کرد و سلاطین ایران را از بین برد. سوریه و بین النهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنه فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانه دریای خزر و تا رود سیحون بسط داد. نهرو دانشمند و سیاستمدار فقید هندی در این باره می نویسد: "سرگذشت عرب و داستان این که چگونه به سرعت در آسیا و اروپا و افریقا توسعه یافتند و فرهنگ و تمدن عالی و بزرگی را به وجود آوردند، یکی از شگفتیهای تاریخ بشری میباشد، نیرو و فکر تازه‌ای که عربها را بیدار ساخت و ایشان را از اعتماد به نفس و قدرت سرشار ساخت (اسلام) بود. در ادامه همین آیه مورد بحث در باره وحدت، قرآن می گوید: "شما در گذشته در لبه گودالی از آتش(جنگ، نزاع و خونریزیها) بودید که هر لحظه ممکن بود در آن سقوط کنید و همه چیز شما خاکستر گردد، اما خداوند شما را نجات داد و از این پرتگاه به نقطه امن و امانی که همان نقطه برادری و محبت بود رهنمون ساخت (مکارم، تفسیر نمونه).

حضرت امام خمینی(ره) با تکیه بر چنین آموزه‌هایی میفرمودند: "تفرقه از شیطان است و وحدت کلمه و اتحاد از رحمان است". وحدت کلمه مهمترین سلاح حضرت امام(ره) در برابر دشمنان بود. وحدت مردم ایران در پرتو رهبری حکیمانه امام خمینی آنان را بر استبداد داخلی و استکبار امریکایی و کشورهای غربی پیروز کرد. امریکا، همپیمانان غربی آنها با توطئوها و تفرقه افکنیهای شیطانی تلاش میکنند به اختلافات قومی، نژادی، زبانی، مذهبی و فرقه‌ای دامن بزنند و با راه انداختن موجی از کشت و کشتار، ترور، جنگ، تخریب مساجد و اماکن مقدسه در میان مسلمین امت مسلمان یعنی "ما" و سرزمینهای اسلامی را تجزیه کنند. متأسفانه برخی از کشورهای اسلامی نیز با آنها همراه و متحد شده‌اند!

گفتار پنجم. راز داري و رعايت مرز خودي و ديگري در امور محرمانه

آيه ديگري در سوره آل عمران بحث "ما و ديگران" را به صراحت مطرح کرده است: "اي کسانی که ايمان آوردهايد "غير خودي" را به عنوان محرم اسرار انتخاب نکنيد، آنها حتي یک لحظه فرصت را براي آسیب رساندن به شما از دست نخواهند داد. دوست دارند، شما در زحمت و رنج باشيد. دشمنی نسبت به شما در زبان نشان پيدا است؛ ولي آنچه در دل پنهان دارند، بسي خطرناکتر است. شما آنها را دوست داريد، اما آنها شما را دوست ندارند. شما به همه کتابهای آسمانی ايمان داريد (اما آنها به کتاب آسمانی شما ايمان ندارند) و هنگامی که شما را ملاقات میکنند (به دروغ) مگویند، ايمان آوردهايم [20].

بر پایه نظريه خودي و ديگري، قرآن از مومنان خواسته تا ساده انديشي و سهل انگاري را کنار گذاشته و غير خوديها را در امور طبقه بندي شده و در اسرار خودشان به کارگيري نگیرند. "بطانه" در لغت به معنی آستر و لباس زيرين است. مردم معمولاً براي اين که پارچه خشن به پوستشان آسیب نرساند از آستر نرم و يا زيرپوش استفاده میکنند، تا بين پوست و پارچه ضخيم فاصله باشد. اين آيه به کنایه غير خوديها را به پارچههاي خشن تشبيه کرده که در صورت تعامل و تماس داشتن با پوست، يعني لایه هاي دروني و آسیب پذیر جامعه اسلامي و دسترسي داشتن آنها به اخبار و اطلاعات محرمانه، به مسلمانان آسیب میرسانند. اين اعلام خطر به صورت کلی و عمومی است و بايد در هر زمان و در هر حال مسلمانان به اين هشدار توجه کنند (مکارم، تفسير نمونه) .

در صدر اسلام برخي از مسلمانان با کفار روابط خویشاوندی و دوستانه‌اي داشتند و در نشست و برخاستهايشان با ابراز دوستي نسبت به آنها، سعي در کسب اسرار و اطلاعات مسلمانان را داشتند. قرآن به اين دسته از مسلمانان هشدار داده که بیشتر مراقبت باشند؛ زيرا بعضي از اهل کتاب منافقاني هستند که وقتی شما را مبینند مگویند ايمان آوردیم و چون به خلوت میروند، سرانگشت خود را از شدت خشمی که بر شما دارند میگزند. قرآن در باره بقیه منافقاني که در درون جامعه اسلامي زندگی میکنند، نیز هشدار داده که فریب سخنان زیبای آنان را نخورند. اين دسته به رغم دعاهاي زیبا و فریبنده شان مانند دو گروه ديگر(کفار و مشرکین) خودي به شمار نمیآیند. زيرا اين دسته نیز تلاش دارند، منافع خودشان را در شبکههاي منافع ديگران تعريف کنند [21].

در راستاي آموزههاي قرآني، پیامبر اکرم(ص) مکرر خطر نفوذ دشمنان براي سر در آوردن از اسرار مسلمانان را به مومنین گوشزد میفرمودند. ایشان به اندازه‌هاي نسبت به اين موضوع حساس بودند که حتي مسلمانان را از راهنمایی و مشورت خواستن [22] از دشمنان نیز باز میداشتند، زيرا راهنمایی و مشورت خواستن از آنان میتواند منجر به افشاي اسرار مسلمین بشود. مسلمانان در صدر اسلام تحت تاثیر چنین

آموزشهایی قرار داشتند. برای مثال در زمان حکومت خلیفه دوم، شخصی یک جوان باسواد و خوش حافظه از اهالی "بحیره" را به ایشان معرفی میکند که از تخصص وی بهره‌برداری شود. خلیفه با استناد به این آیه از قرآن گفتند: اگر او را به عنوان کاتب (گزارشگر، نویسنده یا ثبت کننده وقایع) بپذیریم؛ در واقع او را همچون آستر (بطانه) به لایه‌های درونی نظام مسلمین راه داده‌ام [23]! و به این صورت درخواست وی را نپذیرفتند (جلال الدین السيوطي، الدر المنثور في التأويل بالمأثور). بعضی از کارها مانند کارشناسی، مترجمی و امور دفتری ممکن است به ظاهر اهمیتی نداشته باشند، اما از آنجا که در مسیر گردش اطلاعات و اسرار قرار دارند، پستهای حساسی به شمار می‌آیند.

گفتار ششم. دشمنان را به عنوان دوست انتخاب نکردن

قرآن در آیه دیگری تأکید میکند که دشمنان را به عنوان دوست انتخاب نکنید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را، به عنوان دوست انتخاب نکنید، شما نسبت به آنها اظهار محبت نکنید، در حالی که به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند، و رسول خدا و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شما است از شهر و دیارتان بیرون برانند، اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده اید پیوند دوستی با آنها برقرار نسازید، شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار نکنید در حالی که من آنچه را پنهان یا آشکار میکنید از همه بهتر میدانم، و هر کس از شما چنین کاری کند از راه راست گمراه شده، اگر آنها بر شما مسلط شوند، دشمنان خواهند بود، و دست و زبان خود را به بدی بر شما مگشایند و دوست دارند، شما به کفر باز گردید [24]". آیه 13 همین سوره نیز در ممنوعیت دوستی با دشمنان دستور مشابهی داده است [25].

یک نمونه از برقرار چنین ارتباطات دوستانه‌ای با دشمنان که در زمان خودش به نوعی جاسوسی نیز تلقی شد، در زمان پیامبر (ص) اتفاق افتاد. یکی از مسلمانان به نام "حاطب بن ابی بلتعہ" به وسیله خانمی به نام "ساره" از مدینه نامه‌ای برای بعضی از شخصیت‌های مشرکان مکه نوشت و به آنها هشدار داد که به زودی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای فتح مکه به سوی شما حرکت میکند. پیامبر اکرم (ص) از طریق وحی از موضوع مطلع شدند و حضرت علی (ع) و چند تن از صحابه را در تعقیب این زن پیام رسان فرستادند. مامورین این زن را در یکی از منازل بین راه یافتند. وی ابتدا موضوع را انکار کرد، ولی با پافشاری مامورین، سرانجام مجبور به اعتراف شد و نامه‌ای را که در گیسوانش پنهان کرده بود، تحویل داد. به هر حال موضوع فاش شد. حاطب نزد پیامبر (ص) به اشتباه خود اعتراف کرد و عذر آورد که اقوامش در مکه در جنگ کفار هستند و او با این اطلاع‌رسانی خواسته به مردم مکه خدمتی کند تا شاید بستگانش مورد آزار و اذیت آنها واقع نشوند (مکارم، تفسیر نمونه). به رغم موضع تند بعضی از صحابه در برابر اقدام "حاطب"، پیامبر اکرم (ص) به علت این که او در جنگ بدر در کنار نیروهای مسلمان با

دشمنان جنگیده بود، این خطا را بر وی بخشید (جلال الدین السیوطی، الدر المنثور فی التأویل بالمأثور).

گفتار هفتم. در برابر دشمنان موضع تند و شدید داشتن

از ویژگیهای جامعه مسلمان داشتن موضع شدید و محکم در برابر دشمنان است [26]. در صورتی که مسلمانان با دشمنان در شرایط و وضعیت جنگی به سر میبرند؛ دستور بر شدت عمل هر چه تمامتر است؛ "ای پیامبر با کفار و منافقین جهاد کن و بر آنان سخت بگیر [27]"؛ اما در زمان صلح، مومنان باید هر نوع نیرو و قدرتی مادی و معنوی که برای مقابله و پیروزی بر دشمنان لازم است، را فراهم کنند. این توان و نیرو، فقط سلاح و ابزار جنگی نیست.

فصل چهارم. مسئولیت جامعه خودی در برابر دیگران

مطالب و مباحث بالا در باره خودی و دیگری و دستوراتی که قرآن در این باره داده است، ممکن است، باعث این سوء تفاهم بشود که اسلام نسبت به دیگران به شدت موضع خصمانه‌ای دارد و آموزه‌های قرآنی اجازه زندگی مسالمت آمیز با دیگران را نداده است؛ اما این برداشت درستی از اسلام و احکام آن نیست. البته این نکته را نباید انکار کرد که اقلیتی نیز نظریات دیگری دارند. به طور کلی، از آیات و دستورات قرآنی در باره تعامل با دیگران، سه گونه برداشت وجود دارد. بعضی اصل در روابط با دیگران را جنگ و مقاتله، بعضی دیگر اصل را زندگی مسالمت آمیز و برخی دیگر تفصیل قایل شده‌اند:

أ. اصل عدم سازش و لزوم جنگ با دیگران: این عده میگویند، تردیدی نیست که اسلام مدعی حاکمیت جهانی است و مفهوم چنین ادعایی اسلام آوردن اختیاری و یا اجباری همه افراد و جوامع بشری است. بسیاری از نویسندگان غربی و برخی از مسلمانان مانند مرحوم مودودی در کتاب "الجهاد فی سبیل الله" چنین برداشتی دارند. بعضی از گروه‌های جهادی افراطی مانند سلفی‌های وهابی بر اساس همین نظریه دست به جنایات تکان دهنده‌ای زده و به هیچ وجه برای مال و جان دیگران حتی فیرق اسلامی احترامی قائل نیستند.

ب. اصل صلح و همزیستی با دیگران: برخی از روشنفکران غربگرا و فرقه‌های نو ظهور و ساخته دست استعمارگران در جهان اسلام از این نظریه پشتیبانی میکنند.

ت. اصل صلح و همزیستی با دیگران در عین اعتقاد به وجوب دفاع (نظرتفصیلی): بسیاری از نویسندگان قرن نوزدهم پس از مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه و ان جنحوا للسلم، و کتب فقهی مثل کتاب ارزشمند جواهر الکلام و کتاب القرآن و القتال (مرحوم شلتوت) از این نظریه دفاع کرده‌اند.

هر تفسیری از آیات تا هنگامی که در چارچوب طرح و نظام جامع اندیشه قرآنی نباشد، تفسیری تک بُعدی و جزئینگر خواهد بود. آیات قرآن در باره موضوع خودی و دیگری و حقوق متقابل مومنان و کفار و مشرکان باید در یک طرح کلان بررسی و مطالعه شود. در این صورت تمامی آیات از "خلق لکم"، "سخر لکم"، "جعل لکم" در باره خلق نعمتها برای انسان، تا منع فساد در زمین، ممنوعیت هلاکت حرث و نسل، رعایت عدالت و احسان، زندگی مسالمت آمیز، تا وجوب مبارزه با دشمنانی که جنگ مذهبی راه انداخته، مسلمانان را میکشند و آواره میکنند را باید در یک طرحواره و نظام کلی معنا و تفسیر کرد. چنین طرح جامع، کلان و نظامندی نیز باید از مجموع آیات و روایات استنباط شود؛ به گونه‌ای که هیچ کدام از آیات در باره زندگی مسالمت آمیز و قتال و برخورد با دیگران و دشمنان بدون دلیل و صرفاً با احتمال نسخ شدن، کنار گذاشته نشوند.

به هر حال مقاله جایی بحث و بررسی عمیق در باره همه این موضوعات نیست. آنچه مسلم است این که در باره موضوع "خودی و غیر خودی" تفاوت ماهوی میان نظریات ملیگراها و ماتریالیستها و اسلام وجود دارد. نژاد پرستان و ملیگراها بر پایه فرضیه‌های موهوم، خودشان را نژاد برتر و شایسته میدانند. نژاد پرستان آلمانی و ایتالیایی تا آنجا پیش رفتند که فرضیه "قاعده انتخاب طبیعی و اصلح [28]" داروین را به حوزه سیاسی و اجتماعی کشاندند و به عنوان نژاد ناب و برتر به خودشان حق استعمار، استثمار و جنگ افروزی علیه دیگران را دادند. قرآن با چنین نگاه‌های تند و ظالمانه به موضوع خودی و دیگری به شدت مخالف است. این کتاب آسمانی حقوق بسیاری را برای دیگران در نظر گرفته که برای تکمیل بحث به گوشه‌های از آنها اشاره میشود:

گفتار اول. زندگی مسالمت آمیز، رفتار عادلانه و خیرخواهانه با دیگران

در صدر اسلام کفار روابطشان با جامعه کوچک مومنان را به شدت متشنج کرده بودند و علیه مومنان دست به هر اقدام ناجوانمردانه‌ای میزدند. منزوی ساختن، محروم کردن پیامبر اکرم (ص) و مسلمین از

ابتدایترین حقوق انسانی، شکنجه دادن، کشتن، فشار آوردن به آنها به منظور آواره کردن و کوچ دادن دستجمعی نمونههایی از اقدامات خصمانه آنها بود. البته در میان کفار و مشرکین نیز بعضی بودند که روابطشان با مومنان تا این حد خصمانه نبود. بنا بر همین تفاوت در برخوردها، خداوند اجازه داد تا مومنان با این دسته از کفار و مشرکان رابطهای مبتنی بر عدالت، انصاف و خیرخواهی داشته باشند. صرف تفاوت هویت مومنان با هویت دیگران و یا وجود کینهها، تصفیه حسابهای شخصی و دشمنیهای قومی نباید بهانهایی برای اعمال بی عدالتی علیه آنان باشد. مسلمانان همواره موظف هستند تا با همگان رفتاری عادلانه داشته باشند؛ زیرا عدالت به تقوی و پروا داشتن نزدیکتر است [29].

اسماء دختر ابوبکر نقل کرده که در نخستین سالهای دعوت پیامبر(ص)، مادر مشرکش(راغبه) هدیه برای او آورد. او در باره پذیرفتن یا رد کردن مادرش از پیامبر سؤال کرد. پیامبر به او دستور داد تا روابطش با مادر مشرکش را حفظ کند [30]. بنا بر همین روایت، اسماء گفته است که آیه سوره ممتحنه در پاسخ به سؤال او نازل شده است. اگر چه بعضی از مفسران شان نزول آیه را به گونه دیگری نقل کرده اند، اما با اطمینان میتوان گفت این آیات در سوره ممتحنه برای تنظیم روابط مومنان و مشرکان نازل شده اند (طنطاوی، التفسیر الوسیط). از این آیه میتوان استنباط کرد که برقراری رابطه با دیگران تا زمانی که به حالت خصمانه و جنگی در نیامده میتواند بر پایه احترام متقابل، عادلانه و منصفانه باشد.

البته اگر رابطه از شکل مسالمت آمیز خارج شد به این معنا نیست که هر رفتاری علیه دیگران مجاز است. رابطه خصمانه نیز چارچوب و اصول خاصی دارد. بر پایه آموزههای قرآنی در میدان جنگ، هنگام نبرد با دشمنان و حتی در زمانی که دشمن با مسلمانان بسیار ظالمانه و نفرت انگیزی برخورد کرده، آنان حق انتقام جویی و رفتار متقابل پست، پلید و ناعادلانه [31] در حق دشمنان را ندارند [32]. به این ترتیب افراد غیر مسلمان و غیر خودی به دو گروه عمده تقسیم شده اند:

- گروهی که در مقابل مسلمین به جنگ برخاسته و شمشیر کشیدند، و آنها را از خانه و کاشانهشان به اجبار بیرون رانده اند، و عداوت و دشمنی با اسلام و مسلمین را در گفتار و عمل آشکارا نشان داده اند. تکلیف مسلمانان این است که هرگونه مراوده با این گروه را قطع و از هرگونه پیوند محبت و دوستی خودداری کنند. مشرکان مکه مخصوصاً سران قریش تا زمان فتح مکه مصداق روشن این آیه بودند.

-- دسته دیگر در عین کفر و شرک با مسلمانان رابطه خصمانه نداشتند، با آنها پیکار نمی کنند، مسلمانان را از خانه، شهر و دیارشان بیرون نمیکنند. بعضی از این دسته در زمان پیامبر اکرم(ص) پیمان ترک مخاصمه با مسلمانان بسته بودند. نیکی کردن و ابراز محبت و دوستی با اینها مانعی نداشته و اگر معاهده ای با آنها بسته شده مسلمانان باید به آن وفا کنند و در اجرای عدالت بکوشند. مصداق این گروه طائفه (خزاعه) بودند که با مسلمین پیمان ترک مخاصمه داشتند. بنا بر این،

جايي برای گفتار جمعی از مفسران باقی نمیماند که این دستور را با آیه پنج سوره توبه منسوخ بدانند (أبو زید عبدالرحمن، الجواهر الحسان في تفسير القرآن)؛ که فرموده است: "هنگامی که ماههای حرام پایان گیرد، بت پرستان را هر کجا دیدید به قتل برسانید[33]" چرا که این آیه سوره توبه فقط از مشرکانی سخن میگوید که پیمان شکنی کرده و به مخالفت علنی با اسلام و مسلمین برخاسته بودند.

گفتار دوم. حق برخورداری از صلح و ممنوعیت تعرض

در آیه قرآن آمده است: اگر آنها تصمیم پیکار با شما را ندارند و پیشنهاد صلح میدهند، خداوند به شما اجازه تعرض به آنها را نمیدهد و شما موظف هستید، صلح را بپذیرید و علیه آنها دست به تعرض نزنید[34]. شأن نزول این آیه که در تفاسیر مختلف بیان شده به خوبی بر این مطلب گواهی میدهد. بعضی از مفسرین به استناد آیه دیگر معتقدند، به طور کلی در هر شرایطی هنگامی که کسی به شما سلام کرد[35] (اقدام خوب و خیرخواهانه‌ای را انجام داد)، شما باید به او پاسخ بهتری بدهید (أبو الفداء إسماعیل، تفسیر القرآن العظیم). البته بعضی از مفسرین نیز بر این باورند که منظور از "القول الیکم السلام" اسلام آوردن دشمن است (أبو الحسن علی بن محمد الشهیر بالماوردي، النکت والعیون).

واقعیت‌های تاریخی نیز نشانگر توجه دولت اسلامی به حقوق اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی است. حضرت علی(ع) در دوره فرمانروایی‌شان طی فرمانی به مالک اشتر فرمودند: با مردم مهربان و صمیمی باش و همچون گرگی درنده که خوردن آنان را یک فرصت میداند، نباش؛ زیرا آنها یا برادران دینی و یا مانند تو انسان هستند[36]. از مجموع این مباحث تفاوت نگاه عادلانه، منصفانه و انسانی اسلام با نگاه سایر مکاتب به موضوع "خودی و دیگری" مشخص میگردد.

فصل پنجم. نتیجه گیری و پیشنهاد ها

گفتار اول. نتیجه گیری:

از مجموع مباحث بالا استفاده میشود که جوامع اسلامی در اندیشه و عمل توجه لازم را به بحث تعریف خودی، دیگری و دشمنان ندارند؛ از آموزه‌های قرآن و پیامبر اکرم فاصله گرفته‌اند و برخلاف دستورات خداوند به جایی مهربانی، پشیمانی، اتحاد داشتن، به تفرقه، کینه توزی و خونریزی روی آورده‌اند. با

دشمنان مهربان و صمیمی هستند. علیه برادران و کشورهای اسلامی با کفار و دشمنان متحد شده‌اند.

متأسفانه بسیاری از دولتها، گروهها و جوامع کوچک و بزرگ اسلامی سیاستها، برنامهها، روابط و منافع خود و کشورشان را بر خلاف آموزه‌های قرآنی در بلوکها و شبکه‌های دیگر و حتی دشمنان و مستکبران تعریف، تنظیم و اجرا میکنند. امروز بیش از هر زمان دیگر در کشورهای مسلمان آفریقایی، عربی و آسیایی صفت‌های شفاف شده، عوامل و عناصر وابسته به استکبار در کشورها اسلامی مشخص هستند و همراه با دشمنان علیه مسلمانان برنامه‌ریزی میکنند؛ حتی در برابر ملتهای خودشان ایستاده‌اند و زمانی که با شورشهای مردمی روبرو میشوند به اربابان پناه می‌برند. در چنین شرایطی استقلال و ایستادن جوامع اسلامی روی پای خودشان معنا و مفهومی ندارد.

دولت‌های به ظاهر مسلمان و وابسته به اجانب، به دلیل این که منافع گوناگون کشورشان را در بلوکها و سازمانهای منطقه‌ای دیگر تعریف کرده‌اند، اجازه شکل‌گیری سازمانهای مشابه در میان کشورهای مسلمان را نمیدهند یا اگر سازمانی مانند کنفرانس اسلامی شکل بگیرد، تشکیلاتی کم‌تأثیر و تصمیم‌ناپذیر اعلامی و غیرالزام‌آور است، چرا که منافع اعضای در بلوک دیگری تعریف شده است. گاهی سازمانهای منطقه‌ای به ظاهر خودی وجود دارند؛ ولی در عمل جزئی از شبکه و بلوک دیگران است و به هیچ وجه خودی نیست.

گفتار دوم. پیشنهادها:

- جوامع و کشورهای اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآنی در تمامی امور فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی باید مستقل باشند، به دیگران و دشمنان وابستگی نداشته باشند.
- کشورهای اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآنی در باره لزوم محبت و پشتیبانی متقابل مومنان نسبت به یکدیگر، داشتن اتحاد همگانی و یکپارچه (جمعاً)، فراهم کردن آمادگیهای لازم در برابر دشمنان باید در عرصه‌های مختلف پیمانها، اتحادیه‌ها و سازمانهای مختلفی را تشکیل دهند.
- دولتها و ملتهای مسلمان نباید دشمنان خدا و خودشان را به عنوان دوست انتخاب کرده و آنها را در امورشان به ویژه در اسرارشان دخالت بدهند.
- مسلمانان هر چه بیشتر باید با این آموزشها آشنا شوند و کنش و واکنشهایشان در برابر دیگران و دشمنان را بر این اساس ساماندهی کنند.

- فراگیر و عمومی شدن آموزه‌های قرآنی سبب می‌شود مردم مقامات کشورشان را وادار سازند تا از عضویت در اتحادیه‌ها و سازمان‌هایی که باعث سلطه دیگران بر مسلمانان می‌شود، خودداری کنند و به دشمنان اجازه ندهند از خاک و حاکمیت کشورشان بر ضد مسلمانان استفاده نمایند.

- تعریف منافع کشورهای مسلمانان در بلوکها و شبکه‌های دیگران تعهداتی را متوجه کشورهای اسلامی می‌کند و گاهی آنان مجبور خواهند شد تا در برابر برادران مومن خود قرار بگیرند. کشورهای اسلامی باید از چنین شبکه‌هایی که اساساً بر پایه حفظ منافع دیگران طراحی شده است، خارج شوند.

فهرست منابع:

ابن كثير القرشي الدمشقي، أبو الفداء إسماعيل بن عمر. تفسير القرآن العظيم. المكتبة الشاملة، 700-774 هـ.

أبو الفداء إسماعيل، القرشي الدمشقي بن عمر بن كثير. تفسير القرآن العظيم. by Translated المكتبة الشاملة. 700-774 هـ.

أبو زيد عبدالرحمن، بن مخلوف الثعالبي بن محمد. الجواهر الحسان في تفسير القرآن. المكتبة الشاملة.

أبو الحسن علي بن محمد الشهير بالماوردي، بن محمد بن حبيب البصري. النكت والعيون. 364-450 هـ.

الزمخشري، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد. الكشاف. 467-538 هـ.

الشنقيطي، محمد الأمين. أضواء البيان. المكتبة الشاملة، 1325-1393 هـ.

الطباطبائي، محمد حسين. تفسير الميزان.

الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملي. جامع البيان في تأويل القرآن. مؤسسة الرسالة، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف. 224-310 هـ.

المحاربي، أبو محمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن ابن تمام بن عطية. المحرر الوجيز. المكتبة الشاملة، 481-541 هـ.

النيسابوري، مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري. صحيح مسلم. Vol. 1. دار إحياء التراث العربي - بيروت، 204 - 261هـ.

جلال الدين السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر. الدر المنثور في التأويل بالمأثور. المكتبة الشاملة.

طنطاوي، محمد سيد. التفسير الوسيط. المكتبة الشاملة.

طنطاوي، محمد سيد. التفسير الوسيط. المكتبة الشاملة.

مكارم، ناصر. تفسير نمونه. مدرسه اميرالمومنين(ع).

[\[11\]](#) DNA. -

[\[21\]](#) - اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الظَّالِمُونَ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (البقرة: 257)

[\[31\]](#) - "مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ"

[\[41\]](#) - "الذين اتبعوهم باحسان"

[\[51\]](#) - أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أتى المقبرة، فقال: السلام عليكم دار قوم مؤمنين و إنا إن شاء الله بكم لاحقون، وددت أنا قد رأينا إخواننا. قالوا أولسنا إخوانك يا رسول الله؟! قال أنتم أصحابي و إخواننا الذين لم يأتوا بعد.

[\[61\]](#) - وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ

[\[71\]](#) - رُحَمَاءُ بَينَهُمْ (الفتح: 29)

[18] - وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ (المائدة: 2)

[19] - وَيُؤْتُوا نِسْوَةً عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ

[110] - فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ { [المائدة : 54]

[111] - الامام الصادق(ع): المسلم اخو المسلم، لا يظلمه و لا يخذله و لا يخوفه و يحق على المسلم الاجتهاد فى التواصل و التعاون على التعاطف و المواساة لاهل الحاجة و تعاطف بعضهم على بعض، حتى تكونوا كما امركم الله عز و جل : رجاء بينكم، متراحمين، مغتمين لما غاب عنكم من امرهم، على ما مضى عليه معشر الانصار على عهد رسول الله(صلى الله عليه و آله)، قال النبي صلى الله عليه وسلم: "مثل المؤمنين في توادهم وتراحمهم كمثل الجسد الواحد، إذا اشتكى(ابن كثير، تفسير القرآن)

[112] - وَادْعُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْهِكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ فُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران: 103)

[113] - تراهم ركعا سجدا

[114] - يبتغون فضلا من الله و رضوانا

[115] - مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (الفتح: 29)

[116] - سورة فتح آية 29

[18] - و من يتولهم منكم فإنه منهم

[19] - و لا تركنوا إلى الذين ظلموا فتمسكم النار و ما لكم من دون الله من أَوْلِيَاءَ ثم لا تنصرون

[20] - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَاطِلَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُؤُونَكُمْ خَبَالًا وَلَا وَدًّا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوََاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّيْنَا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (118) هَآ أَزْنُتُمْ أَؤَلَاءَ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَظْمِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (119) إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّعِقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (آل عمران: 120)

[21] - وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (11) أَلَا إِنَّمَا نَحْنُ هُمْ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ (12) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنْزِلْهُ مِنْ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّمَا نَحْنُ هُمْ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ (13) وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّمَا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ (البقرة: 14)

[22] - عن النبي(ص): لا تستضيئوا بنار المشركين. ... و لا تستشيروا المشركين في شيء من أموركم.

[23] - فلو اتخذته كاتباً قال : قد اتخذت إذن بطانة من دون المؤمنين.

[24] - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ [الممتحنة : 1]

[25] - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَدْسُوا مِنْهُ لَآخِرَةً كَمَا يَدْسِ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (الممتحنة: 13)

[26]- و الذين معه اشداء على الكفار

[27] - اَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَابْنُ السَّمِيعِ الْمَصِيرُ (التحریم: 9). يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلَظَةً (التوبه: 123)

[28]. Natural Selection. -

[29] - لَا يَنْهَاجُكُمُ اللَّاهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (الممتحنه: 8)

[30]- نعم صلى أمك.

[31] - وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (البقره: 190)

[32] - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نِ قَوْمٍ عَلَى أَنْ لَا تَعْدِلُوا ءَدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا إِنَّ فِي خَيْرٍ بَمَا تَعْمَلُونَ

[33]- فاذا انسلخ الاشهر الحرم فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم

[34]- فَإِنْ اءْتَدْرَأْتُمْ فَلَا تَقَاتِلُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (نساء: 90)

[35]- فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا

[\[361\]](#) - وأشعر قلبك الرحمة للرعية والمحبة لهم واللفظ بهم ولا تكونن عليهم سبعا ضاريا تغتنم أكلهم، فإنهم صنفان إما أخ لك في الدين وإما نظير لك في الخلقة(نهج البلاغة، فرمان امام علي(ع) به مالک اشتر).